

## شهر پر خاطره

همه ی شهر 'مرا خاطره است .  
خاطراتی همه خوب !  
خاطراتی همه زشت .  
خاطراتی به بزرگی همین شهر بزرگ  
خاطراتی که مرا می شکنند ،  
خاطراتی که مرا می سازند .

\* \* \*

همه شهر مرا !  
عشق پر خاطره ات پر کرده ،  
شهر پر خاطره از عشق تو شد .

\* \* \*

همه ی شهر 'مرا خاطره است  
گه که برجاده ی پرپیچ شمال می نگرم ،  
یا خیابان 'جنوب  
یا گذرمی کنم از روی پل شهرک تان ،  
ور نظرمی فتم ،  
روی تک چوکی فرسوده ی پارک ،  
همه پر خاطره اند !...  
همه می خندند بشگفته وشاد :  
که تومی آیی ...  
همه میگریند چون ابر بهار ،  
همه میگویند :

کین مجال است دگر آمدنش !  
بشکن آینه ی خاطرہ ہا ،  
زومکن یاد دگر !  
خاطراتت مه نگر .

\* \* \*

شہر من !  
آینہ ی خاطرہ ہاست  
خاطراتی ہمہ خوب !  
خاطراتی ہمہ زشت .  
خاطراتی بہ بزرگی ہمین شہر بزرگ  
شہر پر خاطرہ از عشق توهست .  
ہمہ ی شہر مرا !  
عشق پر خاطرہ ات پر کردہ .

ہمایون < مجید >

۱۹۸۹ کابل

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)